



خجسته باد ۸ مارس، روز جهانی زن ه

مبارزه طبقاتی و رهایی زن (۳۷)

شاغل در کارخانه Bryandat & Mary در شرق لندن، جرعه کوچکی بود که شعله شورش را برافروخت و به گسترش اتحادیه گرایی درمیان کارگران غیر ماهرانجامید. (۱۱)

در مارس ۱۸۸۹، 'Willthorn' اتحادیه ملی‌گاز و کارگران بخش عمومی را بنیان گذاشت. این اتحادیه حتابدون یک‌اعتصاب موفق شد که ۸ ساعت کار در روز راتثبیت نماید. رشد اتحادیه شگفت انگیز بود. تا سپتامبر ۱۸۹۰، این اتحادیه ۸۹ شعبه داشت که ۲ شعبه آن با عضویت بالغ بر ۶۰۰۰۰ نفر، کاملاً به زنان اختصاص

اتحادیه گرایی نوین

تا قبل از پیدایش اتحادیه‌های نوین، تنها اقلیت نازلی از کارگران متشکل بودند. در سال ۱۸۸۸ اتحادیه‌ها ۷۵۰۰۰۰ عضو داشتند که ۵ درصد شاغلین بودند. در میان مردانی که کارهای دستی انجام می دادند، نسبت عضویت در اتحادیه‌ها حدود ۱۰ درصد بود (۱۰)

در سال های ۹-۱۸۸۸ موجی از ناآرامی مراکز صنعتی کشور را فراگرفت که این بار با ظهور نوین تشکل های اتحادیه ای متشکل از کارگران زن و مرد غیر ماهر بود. اعتصاب ۷۰۰ کارگر زن کبریت ساز

صفحه ۶



مصاحبه

نشریه کار

با

تسلیمه نسرین

عکس از سایت تسلیمه نسرین

صفحه ۸

وحشی‌گری رژیم در برابر تحریم فعال

چنین تاکتیکهایی که دوره‌اش از مدت‌ها پیش به سرآمده، موثر واقع شود. از این رو این شگردها نمی توانست و نتوانست کسی را فریب دهد. مردم در سطح وسیع و گسترده ای دست رد به سینه این به اصطلاح انتخابات زدند. مضحکه ای که از قبل معلوم بود نتایج آن قرار است

پاسخ دندان شکن مردم رنج کشیده ایران نسبت به مضحکه انتخاباتی رژیم قابل تحسین بود. بازی ها و بده بستان های دوخردادی ها با جناح ولی فقیه برای کشیدن مردم به پای صندوق های رای با بی اعتنائی کامل مردم روبرو گردید. اوضاع رژیم جمهوری اسلامی وجناح‌های مرتجع آن بسیار وخیم‌تر از آن است که

دستگاه‌های اجرایی و نظارتی جمهوری اسلامی سرانجام با دستور ولی فقیه و سلام و صلوات رئیس جمهور نمایش انتخاباتی یکم اسفند را برای تشکیل مجلس هفتم شورای اسلامی برگزار کردند.

چهارسال پیش وقتی همین دستگاه ها برای به صحنه بردن مضحکه انتخابات مجلس ششم در روز بیست ونهم اسفند اقدام کردند، جنجال و هیاهو حول و حوش سرنوشت ساز بودن آن چنان گسترده و وسیع بود که حتا برخی از سازمان‌ها که خود راچپ یا حزب طبقه کارگر می نامند هورا کشیدند و مردم را به شرکت در این مضحکه فراخواندند. در آن زمان نه فقط تمام جناح های درون حکومتی که اپوزیسیون بورژوازی متشکل از جمهوری خواهان و سلطنت طلبان نیز همراه با رسانه‌های دولتی فارسی زبان برون حکومتی مردم را به شرکت در انتخابات تشویق و ترغیب کردند و گفتند اگر اصلاح طلبان بر قوه مقننه نیز استیلا یابند، وضع تغییر خواهد کرد و ایران به سوی دموکراسی گذار خواهد نمود و انبوه مطالبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مردم متحقق خواهد شد.

چهار سال پیش تنها چند سازمان و حزب چپ انقلابی و کمونیست ایران، از جمله سازمان ما، به درستی مضحکه انتخاباتی رژیم را تحریم کردند و به مردم گفتند که حتا اگر دوم خردادی‌ها در مجلس شورای اسلامی ششم اکثریت یابند تغییری در اوضاع برای تحقق مطالبات آنان پدید نخواهد آمد. پس از اجرای نمایش انتخاباتی مجلس ششم، در خرداد ماه ۱۳۷۹ و در همین ستون یادداشتی با عنوان "مجلس پر

صفحه ۲

جنبش نان و گل سرخ،
برگی از جنبش زنان کارگر آمریکا

صفحه ۴

اخباری از ایران

۲

مقایسه نمایش انتخاباتی

مجلس شورای اسلامی ششم و هفتم

تنش و سترون" منتشر شد که رویداد-هایی که در چهار سال گذشته اتفاق افتادند صحت آن را نشان داد.

چهار سال پیش کشمکش های درون حکومتی برسر این بود که چه کنند تا چند میلیون رای بیشتر از صندوق ها بیرون کشیده شوند و شورای نگهبان زیر نظر ولی فقیه وزارت کشور زیر نظر اصلاح طلبان را مظنون به تقلب برای بیشتر کردن آراء دوم خردادی -ها می کرد. چهار سال بعد درحالی که بن بست جمهوری اسلامی بیش از گذشته شده بود حتی برخی از دوم خردادی ها از شرکت در انتخابات محروم شدند و این بار وزارت کشور کماکان دوم خردادی با شورای نگهبان حتی برسر واجدان حق رای یک اختلاف نه چندان کوچک سه میلیون نفری داشت. شورای نگهبان آنان را ۴۳ میلیون و وزارت کشور ۴۶ میلیون ارزیابی می کرد.

۴ سال پیش دوم خردادی ها کوشیدند تا خود را از نظارت استصوابی شورای نگهبان خلاص کنند و با استفاده از چند روزنامه ای که داشتند تنور انتخابات را گرم کنند. چهار سال بعد نه فقط برخی از اعضای دوم جبهه دوم خرداد با نظارت استصوابی رد صلاحیت شدند که جناح رقیب آرزوی چهارسال پیش خود را برای ایجاد تشتت در صفوف آنها به مرحله عمل در آورد. چهار سال پیش روزنامه "خرداد" را بستند، چهار سال بعد "یاس نو" را چهارسال پیش جبهه مشارکت اسلامی و مجاهدین انقلاب اسلامی را برای شرکت در انتخابات مجاز تشخیص دادند و چهارسال بعد اینها را هم حذف کردند و تنها به گروههای دوم خردادی مانند خانه کارگر و مجمع روحانیون مبارز اجازه شرکت دادند. ۴ سال پیش در برخی شهرها مانند شوش و شادگان تظاهرات ضد دولتی علیه تقلب در انتخابات صورت گرفت که به قتل ۸ نوجوان و زخمی شدن تعدادی انجامید و چهار سال بعد همین اتفاقات در شهرهایی مانند ایذه رخ داد که به قتل دست کم چهار نفر منتهی شد. ۴ سال پیش یک شخصیت رسوا، فاسد و بی آبرو چون علی اکبر هاشمی رفسنجانی علیرغم تمام تقلبات از لیست انتخاب شدگان به بیرون پرتاب شد و مفتضحانه خود را کنار کشید.

اخباری از ایران

* تجمع اعتراضی کارگران در اراک

دراعتراض به عدم پرداخت دستمزد، دهها تن از کارگران کارخانه چپپال اراک روز شنبه دوم اسفند در برابر فرمانداری شهر دست به تجمع زدند. یکی از کارگران این کارخانه می گوید: در حالی که کارگران کارخانه چپپال برای گذران زندگی و تامین مخارج خانواده خویش ناچار به فروش وسایل منزل خود شده اند، مسئولین کارخانه هر بار در برابر اعتراضات ما، تنها به تهدید کارگران پرداخته اند. کارگران در جریان این اقدام اعتراضی، خواستار پرداخت عیدی و پاداش و ۹ ماه حقوق و مزایای معوقه خود شدند.

* تجمع اعتراضی کارگران میدان نفتی آزادگان

صدها تن از کارگران میدان نفتی آزادگان، صبح روز چهارشنبه ششم اسفندماه، هم زمان با دیدار سفیر ژاپن از این میدان نفتی، دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار تحقق مطالبات خود شدند. در این تجمع اعتراضی، کارگران خواستار پرداخت چهار ماه حقوق و مزایای معوقه، افزایش دستمزدها، برخورداری از بیمه تامین اجتماعی و بهبود کیفیت غذا شدند.

* تجمع اعتراضی کارگران پاکریس

روز یکشنبه سوم اسفند، بیش از ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه نخ ریسی پاکریس، در برابر استانداری سمنان دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارخانه که از دو سال قبل تعطیل شده است، تاکنون مطالبات کارگران را که بیش از یک میلیارد تومان می باشد، نپرداخته است. کارگران در این تجمع اعتراضی، خواستار پرداخت مطالبات و امنیت شغلی خود شدند. پس از آن که به کارگران قول پیگیری و وعده رسیدگی داده شد، کارگران نیز به تجمع خود پایان دادند.

* تجمع اعتراضی مردم بم

در اعتراض به کمبود امکانات زندگی، نحوه توزیع کمکهای مردمی و حیف و

چهار سال بعد شیخ مهدی کروی به همان سرنوشت دچار شد و انصراف داد، آخوندی که خود را اصلاح طلب می داند و چهار سال با رای دوم خردادی ها رئیس مجلسی پرتنش و سترون بود.

چهارسال پیش انتخابات مجلس، سیما حفظ نظام اعلام شد و چهار سال بعد بازهم دو جناح اصلی رژیم بر همان طبل می کوبند. دوم خردادی ها در مجلس تحصن می کنند تا به رد صلاحیت خودشان اعتراض کنند. این تحصن شکست می خورد و کوچکترین حمایت توده ای از آن نمی شود. سپس متخصصان از نمایندگی استعفا می دهند، هرچند که می دانند رد یا قبول استعفاها بر اساس مقررات در عمر اندکی که از مجلس ششم مانده ناممکن است.

چهارسال پیش دو جناح جمهوری اسلامی با اعلام درصد شرکت کنندگان - که مانند چهار سال بعد معلوم نیست چه مقدارش قلبی و ساختگی ست - فریاد برآوردند که پیروز شده اند و جمهوری اسلامی از انتخابات سربلند بیرون آمد. چهارسال بعد جناح ولی فقیه که ظاهرا در مجلس هفتم اکثریت صندلی ها را با توجه به رد صلاحیت ها، تقلب و زور از آن خود کرده همان فریاد گوشخراش را می زند و دوم خردادی ها نیز به انحاء مختلف خود را پیروز می دانند. کافیست که در این زمینه نگاهی به مصاحبه بهزاد نبوی این عضو مجاهدین انقلاب اسلامی و نایب رئیس اصلاح طلب مجلس با ایلنا انداخت. نبوی در این مصاحبه می گوید: "در هیچ کجای ایران محافظه کاران حاضر نشدند به نام محافظه کاران در انتخابات شرکت کنند که البته این یک پیروزی بزرگ فقط برای اصلاح طلبان است." پس ظاهرا مرز اصلاح طلبی و محافظه کاری در جمهوری اسلامی فقط در تغییر نام خلاصه می شد و نه "دید-گاهها و تزه های محافظه کاران" که همین آقای نبوی شکست خورده می نامد. آقای نبوی سپس می افزاید: "البته در یک نگاه خوش بینانه می شود این گونه قضاوت کرد که انشالله به خواست خدا، دیدگاه -هایشان عوض شده است." با این حساب اکنون باید منتظر ماند تا دید مثلا جناح ولی فقیه در مجلس چگونه دست به اصلاح قانون مطبوعات می زند که چهار سال پیش اصلاح طلبان با "حکم حکومتی" از آن باز ماندند! نبوی در بخش دیگری از مصاحبه اش اضافه می کند که ظاهرا جناح رقیب قصد دارد با آمریکا مذاکره کند که این خواست دوم

اخباری از ایران

میل این کمک‌ها و امکانات، صبح روز شنبه دوم اسفند، شمار زیادی اهالی زحمتکش و داغ دیده بم در میدان ۲۲ بهمن این شهر دست به تجمع زدند. با وجود آن که چند ماه از زمین لرزه بم گذشته است و کمک‌های نقدی و جنسی فراوانی گردآوری شده است، اما هنوز ابتدایی‌ترین نیازهای مردم این منطقه برآورده نشده است. مردم منطقه حتا در مورد تامین آب آشامیدنی و سرویس‌های بهداشتی نیز با مشکل مواجه اند و علاوه بر این هنوز حتا اسکان موقتی مردم نیز به سرانجام نرسیده است.

* تجمع اعتراضی مردم نیشابور

روز یکشنبه سوم اسفند، شمار زیادی از بازماندگان قربانیان و آسیب دیدگان حادثه آتش سوزی و انفجار قطارباری، نسبت به نحوه برخورد مسئولین دولتی به این فاجعه، دست به تجمع زدند. اعتراض کنندگان خواستار مشخص شدن علت انفجار قطار و پرداخت خسارات وارده شدند.

* تجمع اعتراضی مردم در اصفهان

روزیکشنبه سوم اسفند، بیش از سه هزار نفر از مردم اصفهان برای دریافت پس اندازهای خود، در برابر دفاتر پلمپ شده صندوق‌های قرض الحسنه دست به تجمع زدند. اعتراض کنندگان سپس به سمت میدان احمدآباد دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند در حین راهپیمایی شیشه‌های یک بانک واقع در خیابان جی را شکستند.

* تجمع اعتراضی فرهنگیان در برابر مجلس

حدود صد نفر از نمایندگان کانون‌های صنفی فرهنگیان سراسر کشور، در برابر ساختمان مجلس شورای اسلامی دست به تجمع زدند. اعتراض کنندگان با در دست داشتن پلاکاردهایی خواهان مطالبات خود و رفع تبعیض میان معلمان و سایر کارمندان دولتی شدند.

* نامه اعتراضی

۹۰۰ تن از کارگران سد ونیروگاه استو شهرستان میانه، در یک نامه اعتراضی

مقایسه نمایش انتخاباتی

مجلس شورای اسلامی ششم و هفتم

خردادی‌ها هم هست واز آن حمایت می کنند. در این جا بهزاد نبوی دیگر لازم نیست "خوش بین" باشد، زیرا تمام شواهد حاکی از آن است که جناح رقیب برای حفظ جمهوری اسلامی خواهان مذاکره و ارتباط با "شیطان بزرگ" است. این جناح خوب فهمیده است که جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند بدون حمایت تمام قدرتهای بزرگ به حیات خود ادامه دهد و مصر است که ابتکار عمل تحکیم رابطه با اتحادیه اروپا و برقراری آن را با آمریکا در دست بگیرد. باید گفت که اگر چنین روندی پیش از سرنگونی جمهوری اسلامی طی شود بخش مهمی از اپوزیسیون بورژوازی مانند سلطنت‌طلبان و جمهوری خواهان عقب مانده ای که ارتباط با آمریکا را آغازدمکراتیک شدن حکومت اسلامی می دانند نیز زخنتا و خلع سلاح خواهند شد. مجلس ششم شورای اسلامی به پایان عمر خود نزدیک می‌شود. این مجلس نه فقط مجلسی سنترون و بی تاثیر در تحقق مطالبات مردم، لاقل در چار چوب پارلمانی و آن هم از نوع اسلامی بود، که مانند مجلس پنجم در تصویب قوانین ضد کارگری و به نفع سرمایه داران سنگ تمام گذاشت. انبوهی از قوانین چون خارج کردن کارگاههای با کمتر از ۵ کارگر از شمول قانون کار، قوانین خصوصی سازی و غیره از دست آوردهای مجلس ششم بود که همگی بر ضد منافع کارگران و زحمتکشان ایران است. بی شک مجلس هفتم به همین اقدامات ادامه خواهد داد. مجلس هفتم یک مجلس گوش به فرمان ولی فقیه و پادوی بی‌چون و چرای سرمایه داران خواهد بود. مجلس هفتم کیفیتا و اساسا مانند مجلس ششم یک مجلس ارتجاعی باقی خواهد ماند، با این تفاوت که اکنون بر کرسی‌های قرمز رنگ نمایندگان از جناح ارتجاعی تر جمهوری اسلامی تکیه خواهند زد.

آمار وارقامی که جمهوری اسلامی از شرکت مردم در انتخابات ارائه می دهد تغییری در این واقعیت پدید نمی آورد که اکثریت عظیم مردم هیچ توهمی به جمهوری اسلامی و جابه جایی جناح -هایش در راس قوه مجریه، مقننه یا قضائیه ندارند و خواهان سرنگونی تمامیت آن هستند. اگر آمار ۷۸ درصدی شرکت مردم در انتخابات مجلس پنجم و ۶۸ درصدی در مجلس ششم تغییری

در روند گسترش یابنده اعتصابات، تظاهرات‌ها، راهپیمایی‌ها، شورش‌ها و اقدامات مستقیم مردم برای برافکندن تمامیت جمهوری اسلامی پدید نیامورد، آمار ۵۱ درصدی مجلس هفتم هم پدید نخواهد آورد، زیرا در ایران انتخابات آزاد لاقل در چارچوب نظام های پارلمانی بورژوازی ناممکن است و میزان شرکت کنندگان در انتخابات گوناگون نمی‌تواند نشان دهنده واقعیت اجتماعی لاقل در لحظه برگزاری آنها باشد.

وظیفه نیروهای چپ و کمونیست ایران در این میان هر دم سنگین تر می شود. همگان شاهدند که بخش بزرگی از اپوزیسیون بورژوازی در سال ۱۳۸۲ همان شعار تحریم انتخاباتی را که نیروهای چپ و کمونیست در سال ۱۳۷۸ دادند به میان کشیدند. اپوزیسیون بورژوازی امروز برای انحراف مبارزات مردم تمام وقت بر شعار رفراوندوم تغییر نظام تاکید می کند. هرچند که تحقق این شعار غیر ممکن است اما آنها تلاش می کنند با توهم پراکنی رادیکالیزه شدن توده‌های راجرای سرنگونی جمهوری اسلامی به تاخیر اندازد، همان گونه که توهم اصلاح پذیری و دفاع کلیت این اپوزیسیون از این توهم توانست سرنگونی جمهوری اسلامی را به تاخیر اندازد.

هر احظه که توفان انقلاب در ایران نزدیک و نزدیک تر می شود اپوزیسیون سلطنت طلب و جمهوری خواه به شعارهای دیگری از جمله تشکیل مجلس موسسان دامن خواهد زد. نیروهای کمونیست و چپ ایران باید بتوانند تر ونیرومند تر از همیشه با مطرح کردن سرنگونی انقلابی حکومت اسلامی، درهم کوبیدن ماشین دولتی و دستگاه بوروکراتیک- نظامی آن و تشکیل شوراهای کارگران و زحمتکشان وکنگره آن‌ها به عنوان عالی‌ترین نهاد تصمیم گیری از شکست انقلاب در راه جلوگیری کرده و از استقرار یک دمکراسی مستقیم و مشارکتی، دمکراسی شوراهای حمایت کنند و برای آن تلاش نمایند.

با کمک‌های مالی خود

سازمان

را یاری رسانید



از صفحه ۳

اخباری از ایران

که برای مسئولین حکومتی ارسال کردند، نسبت به احتمال اخراج خود اعتراض نموده و خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

* بیکاری ۶۵ کارگر

کارخانه شهید ارک در گیلان تعطیل و ۶۵ کارگر آن از کار بیکار شدند. اعتراضات کارگران جهت ادامه کاری و تضمین شغلی هنوز نتیجه ای در بر نداشته است. هم اکنون برق این کارخانه را قطع کرده اند و کارخانه بیش از یک هفته است که هیچگونه تولیدی نداشته است. در عین حال بیش از ۶ ماه است که دستمزد کارگران پرداخت نشده است.

* ۲۵ هزار پرستار بیکارند

ایلنا به نقل از شریفی مقدم دبیر کل پرستاران اعلام کرد، در حالیکه جامعه به ۲۱۰ هزار پرستار نیازمند است، در حال حاضر بارین مسئولیت بردوش تنها ۹۰ هزار پرستار شاغل نهاده شده است. این در حالیست که هم اکنون بیش از ۲۵ هزار پرستار بیکارند.

* چند خبر کوتاه

- از ۲۳۵۲ واحد صنعتی در استان گیلان، ۴۰ درصد به کلی تعطیل، ۲۰ درصد زیر ظرفیت رسمی کار می کنند و فقط ۴۰ درصد آن فعالند. (ایلنا)

- از ۲۹ هزار کارگاه فعال استان سیستان و بلوچستان ۲۸ هزار و پانصد کارگاه از شمول قانون کار خارج هستند. (ایلنا)

- مدیر کل اداره کار استان خراسان گفت: بخش قابل توجهی از واحدهای کارگری خراسان، دچار بحران هستند. تنها در یک ماه گذشته (بهمن) ۵ واحد از کارگاه های صنعتی و خدماتی با بیش از ۴۰ کارگر، دچار بحران شده اند که مشکلات و تبعات ناشی از آن بردوش کارگران این واحدها سنگینی می کند.

- طبق سرشماری عمومی کارگاهی در سال ۸۱، تعداد کارگاههای کشور بر حسب وضعیت حقوقی دو میلیون و ۸۲۷ هزار و ۹۰۶ کارگاه بوده اند.

زنده باد سوسیالیسم

جنبش نان و گل سرخ، برگی از جنبش زنان کارگر آمریکا

مقطعی است مورد نظرشان نیست. گل سرخ، سمبل فردایی روشن و سرخ برای کارگران، شعار تکمیلی آنان بود. این اعتصاب به یاد ماندنی، منشاء سرایش شعرها و داستان های فراوانی در ادبیات کارگری آمریکاست. شعر زیر که توسط جیمز اوپنهایم سروده شده، نمونه ای از ادبیات بالنده کارگری است. این شعر برای اولین بار به فارسی ترجمه شده است.

اعتصاب زنان کارگر نساجی لورنس در ماساچوست آمریکا در ۱۹۱۲ برای اضافه دستمزد، بهبود شرایط کار، برگی از تاریخ مبارزاتی کارگران آمریکاست. این اعتصاب که در آن زنان با حمل پلاکارد -هایی، شعار نان و گل سرخ سر داده بودند به جنبش نان و گل سرخ موسوم شده است. اتحادیه های کارگری این شعار را به این علت طرح کرده بودند که نشان دهند، تنها خواست اضافه دستمزد که خواستی

شعر گل های سرخ و نان

چنان که در روشنایی روز گام برمی داریم
جای دستانمان در میلیون ها آشپزخانه ی دود آلود

و
رد پای مان در هزاران کارگاه خاکستری
چنان چون انوار تابیده ی ناگهانی ی خورشید
نمایان است
چرا که سرودهای "گل های سرخ و نان" مان
هنوز گوش های مردم را می نوازد.

چنان که ما قدم زنان می آئیم، گام زنان
ما برای مردان نیز می رزمیم
چرا که آنان بچه های مادرانی بودند

و
بازهم آنان را مادر می شویم
زندگی ما نبایستی همه اش عرق ریزی باشد
از لحظه ی زادن تا دم مردن
قلب های مان گرسنگی می کشند، چنان که جسم مان
نان می خواهیم اما گل های سرخ بدهید ما را.

قدم زنان می آئیم گام زنان
بی شمار زنان، جان خود را از دست داده اند
برویم و غرش سالیان آنان برای نان را
در آوازه های مان جار زنیم، فریاد زنیم.
روح محنت کشیده ی آنان زیبایی و عشق را
و هنرهای کوچک را می شناخت
آری ما برای نان است که می جنگیم
اما برای گل های سرخ نیز.

چنان که ما گام زنان می آئیم، قدم زنان
روزهای بهتر را هم می آوریم
خیزش زنان دیگر معنایش
برخاستن نژاد انسانی است

دیگر نه جان کندن و نه روزگار مزدی
که به اندازه ی ده برابر آن شیریه ی جان ات را می کشند
بلکه، جلال و سرافرازی های زندگی را شریک می شویم:
نان و گل های سرخ، گل های سرخ و نان.

(با تشکر از رفیق ک. برای ترجمه این شعر از انگلیسی به فارسی)



خجسته باد ۸ مارس، روز جهانی زن

۸ مارس، روز همبستگی زنان زحمتکش سراسر جهان در مبارزه برای رهایی از قید ستم و تبعیض و برابری سیاسی و اجتماعی زنان با مردان است. ۸ مارس، نماد بیداری و پیکار انسانهایی است که علیه تبعیض جنسی و برای کسب حقوق سیاسی و اجتماعی و رهایی خویش به پا خاسته‌اند. از حدود یک قرن پیش، هنگامی که به پیشنهاد یکی از برجسته‌ترین زنان کمونیست جهان کلارا زتکین، دومین کنفرانس بین‌المللی زنان سوسیالیست، به نشانه همبستگی و پشتیبانی از مطالبات و مبارزه هزاران تن از زنان کارگر صنایع نساجی آمریکا، ۸ مارس را روز جهانی زن اعلام نمود، جنبش وسیع و گسترده‌ای از زنان کارگر و سوسیالیست برای کسب حقوق سیاسی و اجتماعی زنان و برابری کامل با مردان شکل گرفت. در تمام طول این سال‌ها، جنبش ضد تبعیض جنسی و برابری طلبانه زنان، در اشکال مختلفی ادامه داشته و دامنه آن به سرتاسر جهان گسترش یافته است. مجموعه‌ی بهم پیوسته‌ای از مبارزات کارگران، زنان و کمونیست‌ها در مقیاس جهانی و سازماندهی مبارزات مستمر و اقدامات اعتراضی در یک رشته از کشورهای پیشرفته سرمایه داری علیه تبعیض و نابرابری، دستاوردهای قابل ملاحظه‌ای نیز به دنبال داشته است. برابری حقوقی زن و مرد، هم اکنون در مقیاس جهانی رسماً مورد تأیید قرار گرفته و در قوانین بسیاری از کشورهای جهان نیز انعکاس یافته است. هرچند به علت بقاء نظام استثماری و ستمگرانه سرمایه داری، تا برابری واقعی و رهایی زن هنوز راه درازی در پیش است و هرچند که حتا برابری حقوقی هم در کشورهای مختلف سرمایه داری به درجات متفاوت در عمل یا نقض و یا توسط بندها و تبصره‌هایی قانوناً محدود می‌شود، اما این موضوع قابل انکار نیست که وضعیت زنان در اغلب این کشورها نسبت به گذشته، بهبود یافته است.

اما در برخی کشورهای عقب مانده سرمایه داری، وضع به گونه دیگری است. زنان از همین حداقل‌ها و برابری حقوقی و صوری نیز محروم‌اند. این در حالی است که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی وضعیت حقوقی زنان بسیار فاجعه‌بارتر و به‌غایت شرم‌آور است و نه فقط برابری حقوقی زن و مرد به رسمیت شناخته نشده است، بلکه به‌طور گستاخانه‌ای بر نابرابری زن و مرد نیز تأکید می‌شود و این نابرابری در مقررات حقوقی و قوانین جاری حاکم نیز شکل مدونی به خود گرفته است. رژیم فوق ارتجاعی جمهوری اسلامی، نه تنها زنان را از حقوق برابر با مردان محروم ساخته است، بلکه خشن‌ترین و وحشیانه‌ترین ستم و تبعیض را علیه زنان اعمال نموده و انواع بی‌حقوقی‌های مدنی، اجتماعی و اقتصادی را بر زنان تحمیل کرده است.

از آنجا که در مبانی اعتقادی و بنیان‌های فکری حکومت اسلامی، زن، نیمه انسانی است که فاقد خصوصیات عقلانی و فکری یک انسان کامل است، لذا برپایه همین اعتقاد ارتجاعی و خرافات مذهبی که در قوانین جاری و مناسبات حقوقی حاکم نیز بازتاب یافته است، شدیدترین تبعیضات را نسبت به زنان اعمال نموده و آنان را از حقوق سیاسی و حتا انسانی خویش محروم ساخته است. در جمهوری اسلامی، زن، رسماً و قانوناً فاقد حقوق سیاسی و اجتماعی یک شهروند معمولی و عضو جامعه است و درست به خاطر زن بودنش، از دسترسی به بسیاری از پست‌ها و مشاغل دولتی محروم است. در جمهوری اسلامی زن حق قضاوت ندارد در مبحث ارث، نصف مرد به حساب می‌آید، از حق پوشیدن لباس مورد علاقه خود و از حق سرپرستی فرزندان خود محروم است. افزون بر این در چارچوب خانواده نیز به علت حاکمیت نظام مردسالار، در معرض انواع فشارها، تحقیرها و تبعیضات قرار دارد.

رژیم جمهوری اسلامی طی یک ربع قرن حاکمیت ننگین خویش با اعمال خشن‌ترین شیوه‌های سرکوب و همچنین وضع قوانین ارتجاعی و اجرای موازین شرعی و اسلامی، تلاش کرده‌است بندهای اسارت و بندگی بر دست و پای زنان را مستحکم‌تر نموده و آنان را به کلی در چارچوبی خانه محصور سازد. با وجود این، جمهوری اسلامی موفق نشده است زنان را از مبارزه برای کسب حقوق سیاسی و اجتماعی برابر با مردان و از تلاش برای یک زندگی بهتر و انسانی باز دارد. در تمام طول این دوران، زنان در اشکال مختلفی علیه بی‌حقوقی، علیه تبعیضات، علیه خشونت، علیه حجاب اجباری و آپارتاید جنسی دست به مبارزه و مقاومت زده‌اند. اعتراض زنان نسبت به موقعیت فرودست خود و مبارزه آنان علیه تبعیض و نابرابری، اکنون تا اعماق جامعه نفوذ یافته است و جنبش مبارزاتی زنان، به یکی از جنبش‌های مهم اجتماعی تبدیل شده است.

امسال در شرایطی که استقبال ۸ مارس روز بین‌المللی زن می‌رویم که ماهیت ارتجاعی و زن ستیز همه جناح‌های حکومتی و سایر مدافعان نظام ارتجاعی و مرد سالار حاکم، بیش از هر زمان دیگری برهمگان آشکار شده و فریبکارانی که وعده اصلاحات در چارچوب نظام حاکم را می‌دادند در نزد حتا عقب مانده‌ترین اقشار جامعه نیز رسوا و بی‌اعتبار شده‌اند. در این تردیدی نیست که مسبب اصلی و حافظ تمام تبعیضات و نابرابری‌های حقوقی و اجتماعی موجود، نظام سرمایه داری است و امر رهایی زن و تأمین برابری واقعی و کامل زنان و مردان در گرو به زیر کشیدن این نظام است. معهداً این مسئله نیز برکسی پوشیده نیست که جمهوری اسلامی که یک رژیم مذهبی فوق‌العاده ارتجاعی است، به‌عنوان پاسدار این نظام، وضعیت به غایت ظالمانه و تحقیرآمیزی را بر زنان تحمیل نموده است. رژیمی که تا عمق استخوانش مدافع و مشوق مردسالاری است و بندهای مدنی و حقوقی و اعتقادی‌اش علیه زنان نوشته شده است. رژیمی که اجحاف و تعدی نسبت به زنان را به اوج خود رسانده است. از همین روست که سرنگونی این رژیم ارتجاعی و زن ستیز، نخستین گام و اولین حلقه گسیختن زنجیر اسارت و بندگی از دست و پای زنان و تأمین برابری واقعی زنان با مردان است.

سازمان فدائیان (اقلیت) در همان حال که معتقد است نفی همه و هرگونه ستم طبقاتی و جنسی و تحقق برابری کامل و همه جانبه زن و مرد تنها با سرنگونی سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم میسر است، در عین حال، خواهان انجام یک رشته اقدامات فوری برای بهبود هرچه سریع‌تر وضعیت زنان و تحقق مطالبات آنهاست.

سازمان فدائیان (اقلیت) که هدف فوری خود را سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی در ایران قرارداده است، خواهان اقدامات فوری و بلادرنگ زیر به نفع زنان است:

- تمام قوانین و مقررات ارتجاعی و تبعیض آمیز نسبت به زنان ملغاً شود.
 - برابری حقوق سیاسی و اجتماعی زن و مرد قانوناً به رسمیت شناخته شود.
 - زنان بابرابری کامل به تمام مشاغل و مناصب در همه سطوح دسترسی داشته باشند.
 - زنان از دستمزد و مزایای برابر با مردان در ازای کار مساوی برخوردار باشند.
 - هرگونه فشار، تحقیر، اجبار، خشونت علیه زنان در محیط خانواده رسماً ممنوع شود و مجازات شدیدی علیه نقض این ممنوعیت‌ها اعمال شود.
- سازمان فدائیان (اقلیت)، همپای هزاران نفر از زنانی که در سراسر جهان این روز تاریخی را جشن می‌گیرند، به استقبال این روز فرخنده می‌رود و ۸ مارس روز جهانی زن را به زنان کارگر و زحمتکش همه انسان‌هایی که از برابری اجتماعی و سیاسی زن و مرد دفاع می‌کنند و برای نابودی ستم و آپارتاید جنسی مبارزه می‌کنند، تبریک می‌گوید.

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی — برقرار باد حکومت شورایی

زنده باد سوسیالیسم — سازمان فدائیان (اقلیت) — اسفند ۱۳۸۲

کار — نان — آزادی — حکومت شورایی

مبارزه طبقاتی و رهایی زن (۳۷)

بود و در مقایسه با سال های ۹-۱۸۸۸ ارتباط نزدیک تری بین مبارزات زنان کارگر با مردان کارگر وجود داشت. اعتصابات وسیع معدنچیان، ملوانان، باراندازان، کارگران راه آهن و کارگران فلز کار و حمل و نقل به راه افتادند. در همان زمان، ۵۰۰ زن زنجیر ساز در Cradley Heath بیرمنگام که نیمی از زنان این صنف را تشکیل می دادند، دست به اعتصاب زدند. آنها پس از ده هفته تعطیل کارخانه، به پیروزی دست یافتند و اعضاء اتحادیه به ۱۷۰۰ تن افزایش یافت.

تاثیر پیروزی زنان زنجیر ساز حیرت آور بود. کل منطقه Midland تحت تاثیر قرار گرفت. کارگران آجرپزی، پوکه آهن و هزاران کارگر غیر ماهر و غیر متشکل مرد که برای هفته های یک پوند در کارخانجات و کارگاههای تیره و تار کار می کردند، شورش کردند. تمام آنها همچون زنان Cradley Heath نرخ به رسمیت شناخته شده دستمزدها و حق سازمان یابی اتحادیه های راکسب کردند. در تابستان ۱۹۱۱، تعداد ۱۵۰۰۰ زن کارگر غیر متشکل در ۲۱ شرکت Bernondsey دست به اعتصاب زدند که به تشکل یابی زنان در ۱۸ شرکت دیگر از جمله کارگران کارخانجات مریاسازی، ترشی، بیسکویت سازی، بسته بندی چای و کاکائو، چسب، قالب سازی و حلبی سازی و شیشه شورها انجامید.

موج رزمندگی به افزایش سریع عضویت زنان در اتحادیه انجامید که بین سال های ۱۹۱۰ الی ۱۹۱۴ دوبرابر شد.

با این همه، به رغم دستاوردهای عظیم زنان کارگر در طی سال های ۹-۱۸۸۸ و ۱۴-۱۹۱۰ آنها هنوز بسیار از مردان فاصله داشتند. علت اصلی آن نیز خصلت عمومی جنبش کارگری بریتانیا بود.

توضیحات:

- ۱۰- تاریخ جنبش کارگری بریتانیا از ۱۸۸۹- جلد ۱- ۱۹۶۴. ص ۲۰۱
- ۱۱- کاپ-النور مارکس- جلد ۲- لندن ۱۹۷۹- ص ۲۷۰
- ۱۲- کاپ- ص ۳۸۲
- ۱۳- گمشده در تاریخ- لندن ۱۹۷۴- ص ۶۱
- ۱۴- Drake- ص ۲۷
- ۱۵- Clegg- فاکس و تامپسون - صفحات ۷۰-۷۱
- ۱۶- همانجا - ص ۸۳
- ۱۷- Drake- ص ۳۰
- ۱۸- همانجا - ص ۳۰
- ۱۹- همانجا - ص ۴۵
- ۲۰- همانجا - ص ۱۴۹
- ۲۱- بستن - ص ۶۲-۱۰
- ۲۲- بستن - ص ۶۸
- ۲۳- Drake- جدول ۱

در ۱۹۰۶ افزایش یافت. از این تعداد، ۱۴۳۰۰۰ زن به اتحادیه های نساجی تعلق داشتند که ۲۵۰۰۰ نفر آنان عضو اتحادیه های نخ بافی بودند. جهت مقایسه می توان گفت که اتحادیه های صرافازنان، در آن هنگام بیش از ۵۰۰۰ عضو نداشتند. (۱۷)

فدراسیون ملی زنان کارگر

مجمع اتحادیه کارگری زنان به مثابه چتر متحد کننده اتحادیه های زنان صنوف مختلف بود. اتحادیه های مختلط با آن همکاری می کردند و در ازای پرداخت مبلغی ناچیز، از خدمات یک سازمانده زن برخوردار می شدند. اما این مجمع به علت عضویت مختلط طبقاتی، نمی توانست در جنبش اتحادیه های ادغام شود و عضو وابسته اتحادیه های کارگری گردد. (۱۸) از همین رو "ماری مک آرتور" که از سال ۱۹۰۳ دبیر مجمع شده بود، در سال ۱۹۰۶ تصمیم به تاسیس فدراسیون ملی زنان کارگر گرفت. این فدراسیون از روی الگوی اتحادیه عمومی کارگری پایه ریزی شد و عضویت در آن برای تمام زنان غیرمتشکل تمام صنوف و یا آنانی که راه ورود به اتحادیه ها برایشان باز نبود، آزاد بود. (۱۹) "ماری مک آرتور" به جدایی زنان از مردان معترض بود و او همواره در آرزوی روزی بود که زنان بخشی از پیکره بزرگ و نیرومندی باشند که زنان و مردان را نمایندگی کنند. (۲۰) از همین رو فدراسیون، تا آن جا که می توانست با اتحادیه کارگران مرد ماهر همکاری می کرد و اعضایش به حمایت فعال از سیاست سازمانی مشترک از زنان و مردان شاغل در صنوف و صنایع مشابه می پرداختند. اغلب یک بخش از فدراسیون به اتحادیه مردان منتقل می شد، که تصمیم به باز کردن درهای خود به روی زنان گرفته بود.

فدراسیون ملی بیش از هر سازمان دیگری به سازماندهی بیشتر زنان پرداخت، در اعتصابات حضور داشت و تلاش بیشتری برای ایجاد اتحادیه های زنان کرد. این فدراسیون "ریشه در نظرات و رزمندگی اتحادیه های کارگری عمومی اولیه داشت و در مبارزه اش برای بهبود دستمزدها و شرایط کار، اعتصاب را تنها سلاح می دانست. گزارش بین ۱۹۰۶ و ۱۹۱۴، تنها یک نمونه از این اعتصابات بود. (۲۱)

بین سالهای ۱۹۰۴ و ۱۹۱۴ تعداد اعضای فدراسیون رشد کرد و از ۲ هزار به ۲۰ هزار رسید. (۲۲) تا سال ۱۹۱۴، اعضاء زن تمام اتحادیه ها به ۳۵۷۹۵۶ نفر رسیده بود که ۲۱۰۲۷۲ تن از آنان در صنایع نساجی بودند. (۲۳) به عبارت دیگر افزایش ۱۹۰۰۰۰ نفر در عرض ۸ سال. سال های ۱۴-۱۹۱۰ اوج مبارزات کارگری

داشت. (۱۲) رزمجویی کارگران گاز، بار اندازان راتحت تاثیر قرارداد. در سال ۱۸۸۹، اعتصاب باراندازان با شرکت ۱۰۰۰۰ کارگر آغاز شد و به ۱۰۰۰۰۰ نفر رسید. تعداد اعضای اتحادیه بار-اندازان (اتحادیه Riverside, Whorf Dock و اتحادیه کارگری) از ۸۰۰ نفر به ۶۰۰۰۰ نفر افزایش یافت.

با این که اتحادیه های نوین از ابتدا عضویت زنان را منع نکرده بودند، اما چون گرایش آنها در سازماندهی، عمدتاً متوجه کارگران حمل و نقل و کارگران ساختمانی بود، تعداد کمی از زنان جذب آنها شدند. با این وجود، روحیه اتحادیه گرایی نوین موجب الهام زنان شد و در سال های ۱۸۸۸ و بعد از آن، حضور زنان در اعتصابات صنعتی چشم گیر بود. در سال ۱۸۸۸، کارگران زن پتوباف در Heckmondwike، کارگران زن کارخانه های دخانیات در ناتینگهام، کارگران نساجی و کارگران کف بافی در Duude، به شکلی خودانگیخته ابتکار عمل را به دست گرفتند. زنان کارخانه حلبی سازی لندن، مردان اعتصاب شکن را با آرد و گل رس مورد حمله قرار دادند. (۱۳)

در سال ۱۸۸۹، یک دوجین مجامع کوچک زنان کارگر، هم در لندن و هم در بسیاری از ایالات رشد کردند. اعتصاب خیاطان در Leeds، صفوف انجمن های محلی زنان شاغل را از یک تعداد انگشت شمار به ۲۰۰۰ نفر، ظرف چند هفته افزایش داد. (۱۴) هزارها زن طی سال های ۹-۱۸۸۸ به اتحادیه پیوستند. اما در اواخر ۱۸۸۹ کارفرمایان به مقابله برخاستند.

اعتصاب باراندازان لیورپول به شدت سرکوب شد. در لندن، در اوایل ۱۸۹۰، اتحادیه باراندازان مجبور به خروج از لنگرگاه ها شد. (۱۵) و تعداد اعضای آن از ۱۰۰۰۰۰ در سال ۱۸۸۹ به ۵۶۰۰۰ در سال ۱۸۹۰ و ۲۲۹۱۳ در سال ۱۸۹۲ و ۱۰۰۰۰ نفر در سال ۱۸۹۶ کاهش یافت. روند مشابهی، اتحادیه ملی کارگران گاز و اتحادیه عمومی کارگران راتحت تاثیر قرار داد و تعداد اعضا آن از ۶۰۰۰۰ در سال ۱۸۹۰ به ۳۶۱۰۸ در سال ۱۸۹۲ و ۲۹۷۳۰ در ۱۸۹۶ کاهش یافت. اتحادیه مختلط ملی ملوانان و کارکنان آتش نشانی که در سال ۱۸۹۰، تعداد اعضایش ۵۸۷۸۰ نفر بود، در سال ۱۸۹۴ منحل شد. همین روند در فدراسیون ملی کار نیز که در سال ۱۸۹۰، ۶۰۰۰۰ عضو داشت طی شد. (۱۶) تقریباً می توان گفت که هیچ زنی در اتحادیه های عمومی باقی نماند. اما به رغم این فروکش و افت، گرایش عمومی به ویژه با گشوده شدن درهای اتحادیه ها به روی زنان، سازماندهی وسیع تر زنان در اتحادیه ها بود. اعضاء زن اتحادیه ها از ۳۷۰۰۰ نفر در ۱۸۸۶ به ۱۱۸۰۰۰ نفر در ۱۸۹۶ و ۱۶۷۰۰۰

وحشی‌گری رژیم در برابر تحریم فعال

به نفع جناح خامنه‌ای رقم بخورد. مردم اما این بار فقط به تحریم انتخابات قلبی و فرمایشی اکتفا نکردند، بلکه هوشیارانه از این موضوع، همچون وسیله‌ای برای ابراز ناراضی‌های خویش و اعتراض علیه کلیت رژیم سود بردند و در مقیاس قابل توجهی به تحریم فعال روی آوردند؛ توده‌های زحمتکش مردم در بسیاری از شهرهای ایران، جریان تدارک و برگزاری مضحکه انتخاباتی را به مبارزه علیه رژیم تبدیل ساختند. در کردستان هزاران نفر از مردم ستم‌کشیده، دست به اعتراض و راهپیمایی زدند و پیش از آن که رژیم و عمال آن نمایش خود را به پایان برسانند، بساط آنها را از شهرها برچیدند. در شهرهای مریوان و دیواندره، مردم وسیع‌دست به تظاهرات و راه‌پیمایی زدند. سخنرانی‌ها و تبلیغات به اصطلاح انتخاباتی کاندیداهای رژیم را برهم زدند. مردم شهر دهگلان نیز دست به اعتراض و راه‌پیمایی زدند و با مسدود ساختن خیابان‌های اصلی شهر، شعارهایی علیه سران رژیم سردادند. مردم بوکان هنگام تظاهرات و راهپیمایی اعتراضی خود، شعارهایی علیه خامنه‌ای و مجلس ارتجاع سردادند و در مسیر راه‌پیمایی خود، یک کلانتری و چند بانک را سنگ‌باران کردند. و سندی در برخی دیگر از شهرهای کردستان نیز تجمعات اعتراضی برگزار گردید و زحمتکشان این مناطق نیز به ابراز تنفر از رژیم و انتخابات قلبی آن پرداختند. در سایر شهرها و استان‌های کشور، از جمله استان‌های فارس، اصفهان، خراسان، کهگیلویه و غیره نیز مردم دست به اعتراض علیه رژیم و انتخابات قلبی آن زدند. مردم زحمتکش شهر ایذه از صبح روز دوم اسفند در سطح وسیعی به خیابان‌ها ریختند و با استفاده از موقعیت تظاهرات و راه‌پیمایی اعتراضی وسیعی را برپا ساختند. اعتراض کنندگان، ضمن تظاهرات، علیه رژیم و سران آن شعار دادند و در مسیر راه‌پیمایی خود، برخی از مراکز و ادارات دولتی از جمله فرمانداری و دادگستری را به آتش کشیدند. رژیم که به شدت از گسترش اعتراضات و شورش مردم به وحشت افتاده بود، اعتراض کنندگان را به گلوله بست، تعدادی از آنان را به قتل رساند و دهها نفر را مجروح ساخت. در شهر فیروزآباد نیز همان روز مردم به خیابان‌ها آمدند و دست به اعتراض و تظاهرات زدند و برخی از مراکز دولتی را مورد حمله قرار دادند. شهرهای اندیمشک و دهدشت نیز شاهد تجمعات اعتراضی و تظاهرات توده‌ای

مصاحبه نشریه کار با تسلیمه نسرین

و تحصیل راتامین می‌کرد، رشد اقتصادی به همراه می‌آورد، در آن صورت اشاعه فرهنگ غرب، مقاومت منفی به وجود نمی‌آورد و یا حداقل در چنین ابعادی به وجود نمی‌آید. اما در شرایط فعلی که این گلوبالیزاسیون، تشدید استثمار و فقر است، تنها رشد گرایش‌های ارتجاعی، دامن زدن به خشونت و حمله علیه زنان است. اگر از من راه حل بخواهید، می‌گویم: "برچیدن ریشه‌های مادی چنین پدیده‌هایی. رهایی از شر مذاهب و نابرابری و تحمیل زمانی میسر است که تسهیلات و آموزش و امکانات مادی، دریچه‌ای به روی علم و ترقی باز کنند و نه به سوی تاریکی و ارتجاع."

زنان در بنگلادش

"تحت تاثیر همین گلوبالیزاسیون، دخمه‌هایی در هند و پاکستان و بنگلادش وجود دارند که با شرایط کارگران در اوائل قرن گذشته تفاوتی ندارند. در این دخمه‌ها زنان تحت بدترین شرایط خدمات تکنولوژیک ارزان برای انحصارات فراهم می‌کنند. فضای موجود در محیط کار به همه چیز می‌انجامد الا کارجمعی و سازنده. خشونت علیه زنان بیداد می‌کند. در محیط کار زنان کارگر نساجی هنوز در برخی مناطق با شلاق به زیر ضرب گرفته می‌شوند. سلطه مذهب و تشویق دولت، نرم‌های مذهبی را چنان تقویت کرده که ضرب و شتم و قتل زنان به راحتی پذیرفته می‌شود.

چه باید کرد؟

"با چنین شرایطی، تنها راه، اتحاد نیروهای مترقی در کشورهای منطقه ماست که به عنوان صفی واحد در مقابل ارتجاع فرهنگی و اقتصاد گلوبالیزاسیون استثمارگر بایستد"

حکومت مانند ایران در دست ملایان نیست. احکام و فتوای ملایان هم جنبه قانونی ندارد ولی چرا دولت بنگلادش در مورد احکام و فتوای بنیادگرایان سکوت می‌کند؟ چرا موضوع نمی‌گیرد؟ مگردولت غیرمذهبی نیست؟ مزربندی‌اش با مذهب کجاست؟"

گلوبالیزاسیون فرهنگی و اقتصادی

"اساس سیاست‌های اقتصادی و سیاسی امپریالیست‌ها سودآوری است. گلوبالیزاسیون در واقع امر گلوبالیزاسیون کردن فقر است. علاوه بر جنبه اقتصادی، انحصار رسانه‌های گروهی و تاثیر گذاری فراوان آن در کشورهای درحال توسعه مانند بنگلادش، منجر به اشاعه و گسترش فرهنگ عمدتاً غربی می‌شود و فرهنگ ملی تحت الشعاع قرار می‌گیرد. این یکی از عواملی است که موجب تحریک و قد علم کردن جریان‌های بنیادگرا و مذهبی است.

البته من مخالف فرهنگ غرب نیستم. اما به عنوان یک پدیده باید آن را شناخت و بر تاثیرات اش تعمق کرد. اشاعه فرهنگ غرب به معنای ترویج ابرقدرتی فرهنگی امپریالیسم غرب است و نه به عنوان ارائه یک نوع از فرهنگ. این موضع برتر، واکنش در طرف مقابل ایجاد می‌کند. واکنش ایجاد شده با توجه به فقر و استثمار و نابرابری و بیسوادی و بیکاری و خشونت، واکنش منفی و ارتجاعی است. این جنبه باید مورد توجه ما باشد. گلوبالیزاسیون در عرصه اقتصادی، بیکاری و بدبختی و در عرصه فرهنگی به له کردن فرهنگ‌های موجود منجر می‌شود.

اگر گلوبالیزاسیون در زمینه اقتصادی به بیکاری و فقر پایان می‌داد، آموزش

و تخریب برخی مراکز دولتی بودند. در اصفهان نیز روز ۴ اسفند اعتراضات مشابهی روی داد. در سمیرم هزاران نفر از مردم به خیابان‌ها ریختند و علیه رژیم و سران آن شعار دادند. در شهرهای لنده، قلعه رئیسی و سرفاریاب واقع در استان کهگیلویه و بویر احمد و نیز در برخی از شهرهای استان خراسان نیز اعتراضات مشابهی روی داد.

گرچه در اکثر این شهرها و مناطق در برابر تظاهرات و اعتراضات مردم، رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی باز هم به خشونت و قهر ارتجاعی متوسل گردید و نیروهای انتظامی، ضد شورش و گارد ویژه را به مقابله با مردم فرستاد، گرچه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بین ۱۳ تا ۲۰ نفر را به قتل رساند، دهها تن را

مجروح و صدها نفر را دستگیر و روانه زندان ساخت و در بسیاری از شهرها حکومت نظامی اعلام نشده‌ای را برقرار ساخت. اما هم اکنون این موضوع بیش از پیش روشن شده است که اولاً توده‌های مردم زحمتکش ایران با این وحشی‌گری‌ها از مبارزه خویش برای رهایی از شر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی دست نخواهند شست و ثانیاً جمهوری اسلامی به هیچ قیمتی، نه به قیمت تشدید وحشی‌گری، نه باتوسل به فریب کاری و بندبازی، قادر نیست اوضاع را به گذشته بازگرداند و یا جلو فروپاشی خویش را سد کند. تحریم فعال انتخابات قلبی و فرمایشی رژیم توسط توده‌های مردم نیز، این موضوع را تأیید می‌کند.

مصاحبه نشریه



با تسلیمه نسرين

مقدمه :

تسلیمه نسرين، نویسنده، پزشک، شاعر و مبارزه بنگالی است که در سال ۹۳ بعد از انتشار کتابش به نام " شرم " مورد پیگرد قرار گرفت. حکم فتوای مرتجعین اسلامگرا موجب تبعید وی شد. علاوه بر این، تسلیمه نسرين به دلیل مبارزه پیگیرش با مذهب و علیه ظلم و ستم و نابرابری علیه زنان، یکی از مبارزین و فعالین حقوق زنان است.

به بهانه ۸ مارس روز جهانی زن، مصاحبه ای با وی داشتیم. مطلب زیر، ترجمه خلاصه‌ای از این گفتگوست. درج این مطلب الزاما به معنای تأیید تمامی نقطه نظرات وی نیست.

معرفی خودش:

"من از نوجوانی در اشعار و نوشته‌هایم، ابتدا به طور غریزی و بعدا آگاهانه به مواردی می پرداختم که به ستمی که به زنان می رفت، اشاره داشت. موضوعاتی چون ازدواج، به مفهومی که در مذاهب رایج است و با موضوعاتی چون پاکي و نجسی و به خشونت آشکاری که به زنان دور ویر خودم می‌شد، مرا به فکر وامی داشت و دنبال ریشه یابی شان بودم. اشعار اولیه من بسیار خامند و فاقد دید. بعدا با ایدئولوژی های پیشرو آشنا شدم. ایدئولوژی هایی که اساس مذهب و خرافات را رد می کرد. این آشنایی مراد ریشه‌یابی مسائل کمک کرد و ذهنم را باز کرد. مثل کلیدی بود که می توانستم با کمک اش درهای ناگشوده را باز کنم."

" فتوایی که بنیادگرایان علیه من صادر کردند باعث شد من از حیظه مسائل فرهنگی- اجتماعی به حیطه سیاسی - اجتماعی کشانیده شوم. تهدید، تبعید، دوری از وطن و مردمی که با آنها بزرگ شده بودم، دستمزد من بود."

فصل خاور میانه

"امروز طوری وانمود می شود که گویا مذهب و به طور خاص اسلام، عامل پیوند دهنده ملل، مثلا در خاورمیانه است. به نظر من این طور نیست. تجارب تاریخ یکی دو دهه اخیر هم ثابت کرده‌اند که در درگیری‌ها و جنگ‌ها در این منطقه، مذهب عامل پیوند دهنده نیست. جنگ ایران و عراق رادر نظر بگیرید، مگر هر دو کشور اسلامی نیستند؟ پس چرا به جنگ پرداختند؟ مگر کویت و عراق هر دو کشور مسلمان نیستند؟ چرا به جنگ روی می‌آورند؟ چرا مذهب آنها را پیوند نداد؟ دسته بندی مذهبی و مذهب به عنوان یک شاخص ساخته و پرداخته امپریالیسم است. گروه بندی براساس مذهب در کشورهایی همچون خاور میانه تصنعی، مصنوعی است و فاقد پایگاه توده ای است. چرا که مذاهب خودشان ساخته قدرت های استبدادی حاکم در این کشورها هستند که از مذهب برای تحکیم خودشان بهره مند می‌شوند. در شرایط فعلی تلاش زیادی از جانب امپریالیسم به کار می رود تا تقسیم بندی مذهبی کنند. از همین رو نمی توان برخورد به ناسیونالیسم را از زاویه برخورد به مذهب پیش برد.

مذهب در دامن زدن به ناسیونالیسم می‌تواند یکی از عوامل باشد ولی تعیین کننده نیست. این فرهنگ و زبان است که چارچوب ناسیونالیسم است. ملل با داشتن فرهنگ و زبان مشترک دورهم جمع می شوند و نه براساس مذهب."

مذهب وجدایی دین از دولت

" مذهب عامل کنترل در جامعه است. مذهب عصای دست بی سوادان است. مذهب عامل فشارستمرگران است. مذهب سوپاپ اطمینان دولت‌های استبدادی است. درخاور میانه و آنچه امپریالیسم غرب برای این منطقه دارد، گرچه سکو-لاریسم نامیده می شود ولی به معنای جدایی دین از دولت نیست. بلکه به طور آشکار و مخفی سعی در حفظ شالوده-های مذهب می کنند. مذهب را بنا به شرایط سبک- سنگین می‌کنند و غلظت آن را تغییر می‌دهند ولی هیچیک به طور واقعی خواهان جدایی دین از دولت نیستند. مثالی می زنم: در بنگلادش،

صفحه ۷

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

دانمارک
I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره‌های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaian - minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaian - minority.org

Organization Of Fedaiian (Minority)

No. 424 maart 2004

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی